

تبیین حقوق شهروندی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

اسکندر جعفری نوروبزانی

عضو هیات علمی دانشگاه پیام نور، گروه علوم سیاسی، ایران

نام نویسنده مسئول:

اسکندر جعفری نوروبزانی

چکیده

شهروندی یکی از ابعاد هویت سیاسی می باشد و شهروندی مفهومی است که در یونان باستان ریشه دارد. در یونان باستان - شهروند بعنوان عضو جامعه سیاسی است - حقوق و ویژگی های شهروندی اهمیت مضاعفی یافت و نظریه های مختلفی در باب آن مطرح گردید. به رغم تحولات شهروندی در طول تاریخ و پیدایش مفاهیم و نگرش های مختلف درباره آن می توان از منظر کلان تمام دیدگاههای شهروندی را به مسئله جایگاه فرد در یک نظام سیاسی ارجاع کرد. (لک، ۱۳۸۶: ۱۱۹)

بدیهی است صیانت از حقوق شهروندی، ارتقاء شناخت و آگاهی نسبت به حقوق و تکالیف متقابل دولت و مردم، پایه و اساس قانون اساسی است. در نظام جمهوری اسلامی ایران، توجه به حقوق شهروندی، از جایگاه قابل توجهی در قانون اساسی برخوردار است، و مبانی فکری و منابع ملی قوی، رعایت حقوق شهروندی را در جامعه ایرانی تضمین می نماید. شهروندی به مثابه قدرت بخشی و سلطه بر یک زمینه تهدید کننده بر اولویتهای متکی است که به ظرفیت عقلانیت انسانی داده می شود. هدف از این تحقیق با بررسی عملکرد دولت در ارتباط با حقوق شهروندی، بررسی حفظ و نهادینه شدن حقوق شهروندی در جامعه است. روش تحقیق در این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر ماهیت، عقلانی (تحلیلی و توصیفی) می باشد.

واژگان کلیدی: حقوق شهروندی، عقلانیت، قانون اساسی، جریان شناسی، تشکیک

سیاسی

مقدمه

شهروندی یکی از ابعاد هویت سیاسی می باشد و شهروندی مفهومی است که ریشه تاریخی دارد و محققان آن را تا سومریان ردیابی کرده و رابطه ای تنگاتنگ بین تدوین قانون و زندگی مبتنی بر شهروندی و وجود شهروند صاحب حقوق یافته اند. تمدن سومر از اولین خاستگاه های نظام شهری از مجموعه ای از شهرهای نسبتاً مستقل خبر می دهد که گرچه توسط حاکمی اداره می شد متوجه این موضوع شده بودند که برای تداوم حاکمیت باید مردم را در نظر داشت. با چنین سابقه ای در ادوار مختلف تاریخ منشورهای تدوین شده اند که عناوین حقوقی با موضوع اموال منقول و غیر منقول، تجارت، صنعت، خانواده و آزارهای بدنی و کار در آنها به چشم می خورد و منشور ستل حمورابی، منشور آشور، منشورهای رم و یونان قدیم را داریم که به حقوق شهروندی و برابری شهروندان در آنها تاکید شده است. (مرادی، ۱۳۹۴) از نظر کاستلز و دیویدسون، ریشه اساسی شهروندی در "اقدامی است که فرد در جهت قدرت بخشی به خود در برابر محیطی که در آن زاده شده است، انجام می دهد. (کاستلز، ۱۳۸۲: ۹۴) شرط دیگر شهروندی از نظر آنان، پذیرش ظرفیت عقلانیت انسانی است. "شهروندی به مثابه قدرت بخشی و سلطه بر یک زمینه تهدید کننده بر اولویتی متکی است که به ظرفیت عقلانیت انسانی داده می شود. (همان، ۹۵) ویلیامز سعی کرده است این مفهوم را با بهره گیری از مفهوم هگلی "نیاز به رسمیت شناخته شدن" توضیح می دهد. شهروندی بیش از هر هویت دیگر قادر است نیاز انسان را در به رسمیت شناخته شدن ارضا کند. (فالكس، ۱۳۸۱: ۱۳) از این رو در جمهوری اسلامی ایران نیز بحث حقوق شهروندی بسیار مورد توجه پژوهشگران و همینطور عموم مردم و دولت بوده است. با توجه به اینکه به نظر می رسد حقوق شهروندی در کشور به درستی جا نیفتاده است؛ لذا این مقاله به دنبال علت و ریشه یابی آن هستیم که در مبحث اجرای کامل قانون اساسی، چرا اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی، بخصوص حقوق شهروندی نهادینه نشده است. به نظر می رسد با توجه به تعدد کثیر از اصول حقوق شهروندی در قانون اساسی، تشکیک یک جانبه گرایی و با تقدم و تأخر در اجرای اصول منجر به نهادینه نشدن حقوق شهروندی شده است که لازم به بررسی عملکرد های یک جانبه گرایی های دولت مردان می باشد، زیرا کوتاهی در اجرای کامل و مستمر قانون اساسی، موجب بی ثباتی و بحران مشروعیت و عدم توسعه در جامعه می شود؛ و الگو پذیری هر امری به جامعیت و مستمر بودن آن می باشد. که در این بررسی نوع روش تحقیق از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت عقلانی (تحلیلی و توصیفی) است و سپس روش گردآوری اطلاعات، بصورت مطالعات کتابخانه ای و سایت الکترونیکی است. که بدین سان ابتدا به تعاریف مفاهیم حقوق شهروندی، قانون اساسی و... با تشریح مبانی نظری و پیشینه تحقیق به بررسی موردی تشکیک تقدم و تاخر و یک جانبه گرایی عملکرد دولتمردان در امور حقوق شهروندی در نهادهای اقتصادی و سیاسی اجتماعی پرداخته ایم و نهایتاً به جمع بندی نتایج به عمل آمده در بی ثباتی و توضیح اجمالی و موردی بحران های مشروعیت از تشکیک و خلط هایی در عقلانی و تجربی و تجریدی در اجرای حقوق شهروندی بر اساس قانون اساسی در حاکمیت دولت مردان تقریباً سه دهه اخیر، به پایان رسانده ایم.

پیشینه پژوهش

در سال ۱۳۸۵ سیف زاده در تحقیقی تحت عنوان هویت ملی و حقوق شهروندی در ایران به این نتیجه رسید که از منظر حقوقی، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ظرفیت تامین حقوق شهروندی گروه ها را دارد. با وجود این وضعیت فقدان چارچوب مفهومی نرم افزاری موجب شده است تا اختلاف نظرها بر سر موضوع هویت، موضوع اقدامات قهری، بجای راه حل جویانه نرم افزاری گردد. باتوجه به تحقیقات متعدد به عمل آمده از حقوق شهر وندی و تعداد کثیری اصول قانون اساسی بنا به اهمیت آن برای نهادینه شدن لازم به تأیید و تاکید پیشنهادات به عمل آمده و دنبال راهکارهای بیشتری می باشد.

در سال ۱۳۹۳ باقری در تحقیقی تحت عنوان بررسی اخلاق حقوق شهروندی در جامعه مورد انتظار مردم از دولت نتیجه گرفت که بین شاخص حقوق شهروندان با تعهدات شهروندان در قبال دولت در سطح اطمینان ۹۵ درصد رابطه مثبت و مستقیمی وجود دارد. یعنی هرچه میزان حقوق شهروندان افزایش یابد، تعهدات و اخلاق شهروندی در قبال دولت بیشتر نمایان می شود و تاثیر افزایشی مثبتی خواهد داشت. همچنین میان دو متغیر انتظار شهروندان از دولت میزان رعایت حقوق شهروندان رابطه ی معنی دار و مستقیمی وجود دارد. به طوری که هرچه قدر انتظار پاسخگویان از دولت افزایش یابد به همان میزان رعایت حقوق شهروندی در جامعه بیشتر می شود. اکثر تحقیقات خارجی به صورت مقالات توصیفی است که به طور غیر مستقیم به حقوق شهروندی میپردازد (والترز و همکاران ۲۰۱۴، مارکوزا ۲۰۱۰، برون، و کریستینس ۲۰۰۹، ساسن ۲۰۰۴) می توان اشاره کرد در اکثر این تحقیقات، هر کشوری متناسب با شرایط خاص خود به سیاست و راهبردهای شهروندی توجه می کند.

مفاهیم حقوق شهروندی

شهروندی از دیدگاه تامس مارشال جایگاهی اجتماعی است که در رابطه با دولت با سه نوع حقوق شامل حقوق مدنی، حقوق سیاسی و حقوق اجتماعی همراه است. مفهوم شهروندی منزلتی را نشان می دهد که با قانون اعطا می شود؛ در عین حال این مفهوم نشان می دهد که اشخاص به اعتبار جایگاه شان در اجتماع یا واحد سیاسی دارای حقوق هستند (محسنی، ۱۳۸۹). در واقع شهروندی زمانی میتواند حقوق خود را مطالبه نماید که از رشد فکری برخوردار و نسبت به آن حقوق آگاه باشد. از اینرو برای شکل گیری هویت شهروندی افراد باید حقوق را در جامعه بشناسند و به حقوق دیگران احترام گذارند و اطاعت از قواعد مشترک اجتماعی و برخورداری از حقوق و کسب، مبارزه برای تحقق آنها را آموزش یابند. از اینرو هدف نهائی جامعه امن و سالم تربیت شهروند مطلوب است.

در ادبیات گسترده نظریه های شهروندی، هسته مشترک تعاریف ارایه شده از شهروندی به شرح زیر است:

- نوعی پایگاه و نقش اجتماعی مدرن برای تمامی اعضای جامعه .
- مجموعه به هم پیوسته ای از وظایف، حقوق، تکالیف و مسؤولیت ها و تعهدات اجتماعی، سیاسی، حقوقی، اقتصادی و فرهنگی همگانی، برابر و یکسان .
- احساس تعلق و عضویت اجتماعی مدرن برای مشارکت جدی و فعالانه در جامعه و حوزه های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی.
- برخورداری عادلانه و منصفانه تمامی اعضای جامعه از مزایا، منافع و امتیازات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، حقوقی و فرهنگی فارغ از تعلق طبقاتی، نژادی، مذهبی و قومی (توسلی و حسینی نجاتی، ۱۳۸۳).

از تعاریف فوق و سایر تعریف ها از حقوق شهروندی چند نکته مهم استنباط می شود:

- حقوق شهروندی از جمله حقوقی است که برای بشر به جهت رعایت کرامت و شأن او شناخته شده است .
- حقوق شهروندی امتیازات و آزادی هایی است که به وسیله قوانین اساسی کشورها مورد حمایت قرار گرفته و رعایت آن ضمانت شده است .
- حقوق شهروندی شامل امتیازاتی است که فرد انسانی یا طبعاً دارای آن است و یا قوانین کشورها به آنها اعطاء کرده است.
- حقوق شهروندی برخلاف حقوق بشر که در آن تابعیت مؤثر نیست، در مورد اتباع یک کشور به رسمیت شناخته شده است .

مفهوم تشکیک

تشکیک در لغت به معنی شک و تردید است و به این معنی است که یک لفظ دارای مفهوم واحدی باشد ولیکن اموری که آن مفهوم شامل آن میشود، متفاوت می باشند و دیگر اینکه به تقدیم و تأخر و بالجمله کلی را مشکک می گویند در صورتی که افراد و مصادیق آن به یکی از جهات با یکدیگر مختلف باشند به نحوی که اطلاق آن بر هر فرد به یکی از جهات اولویت داشته باشد تا اطلاق آن بر فردی دیگر، چنانکه اطلاق مفهوم نور بر نور قوی و شدید، مقدم است تا اطلاق آن بر نور ضعیف و اطلاق آب بر آب دریا مقدم است، تا اطلاق آن بر آب موجود در ظرف کوچک و اطلاق عالم، بر شخصی که جامع علوم باشد اولویت و تقدم دارد تا اطلاق آن بر کسی که یک مساله از علوم را بداند. و بهمین طریق تمام موجودات از لحاظ مراتب وجودی یکسان نمی باشند و هر یک در مرتبت خاصی قرار گرفته اند که از لحاظ شدت و ضعف متفاوتند و ظاهراً مُراد او از این نوع تشکیک نحوه تشکیک خاص است که در وجوه قائل است، که نه از قبیل تشکیک عامی است و نه خاصی. و شاید. بعضی از لحاظ وجودی مقدم و بعضی موخر و همین طور از لحاظ کمی و کیفی و غیره متفاوتند. در هر حال تمام موجودات عالم، وجوه مشترکی دارند و وجوه امتیازی و همان مابه الامتیاز است که در انواع و افراد، نوعی و صنفی موجب تشکیک است. و هر فردی از نوعی را موجود جدا از سایر افراد همنوع خود نشان میدهد. و تشکیک به همین اعتبار گفته می شود. ملاصدرا اصطلاح تشکیک اتفاقی در مواردی بکار برده است نظر او این باشد که وجود با آنکه در حقیقت نوعیه یکسانند در مراتب مشککند و در عین اتحاد در نوع به کمال و نقص میکند و تشکیک آنها در مراتب است. و آن مراتب هم امور عدمی هستند و بنابراین در عین اتفاق در نوع، مشکک می باشند.

تشکیک خاص: تشکیک را در موردی خاص گویند که مابه الاختلاف در آن عین مابه الاتحاد باشد نه به امور زائده بر ذات تشکیک

عامی: تشکیک را در موردی عامی گویند که مابه الاختلاف در آن غیر مابه الاتحاد باشد. و در حقیقت تشکیک به امور زائده بر ذات باشد از قبیل عوارض و قوابل (سجادی، ۱۳۶۱: ۱۶۱-۱۶۲).

مفهوم جریان شناسی

جریان شناسی عبارت است از تشکل، جمعیت و گروه اجتماعی معینی که علاوه بر مبانی فکری، از نوعی رفتار ویژه اجتماعی بر خوردار است. بنابراین اندیشه نظامند یک شخصیت علمی که به صورت تشکل اجتماعی ظاهر نشده جریان نامیده نمی شود. جریان از شناخت منظومه و گفتمان، چگونگی شکل گیری، معرفی مؤسسان و چهره علمی و تاثیر گذار در گروه های فکری، فرهنگی سیاسی و اقتصادی است و جریان اجتماعی به لحاظ فکری دارای اندیشه های خاص در عرصه های هستی شناختی و انسان شناختی و معرفت شناختی و غیره است و به لحاظ فکری دارای مرجعیت اجتماعی و اثر گذاری در جامعه است؛ به گونه ای که جمعی از مردم پیروان آن به شمار می آیند (خسروپناه، ۱۳۸۹: ۱۰۹).

جامعیت اسلامی

بر اساس این آموزه نه اینکه فقط اسلام فقط مبتنی بر دیدگاه خداگرایانه و باطن مدارانه (عده ای از متکلمان و عارفان) و یا دیدگاه دنیا گرایانه تفریطی و یا فقط بر دیدگاه عدالت گرایانه بر مبنای حقوقی و دیگر دیدگاه ایدئولوژی گرایانه و دنیا گرایانه افراطی است بلکه آموزه های پیامبر اسلام و قرآن و سنت پیشوایان دین در همه شئون حیات انسانی، خواه دنیایی، آخرتی، فردی یا اجتماعی، ظاهری یا باطنی حضور دارد. البته متفکران اسلامی در اینکه آیا حضور دین در این عرصه ها مدیرتی است یا هدایتی و یا بیانگر ساختار و مدل زندگی است و یا فقط اصول ارزش ها بیان می کند و نیز آیا حد اقلی یا حد اکثری است و این که کدام بعد غایت وبالذات و قصد اولی دین و کدام غایت بالعرض و قصد ثانوی است، اختلاف نظرهایی می باشد؛ که بسیاری از متکلمان پیشین چون خواجه طوسی در رساله الامامه و همچنین امام خمینی (ره)، علامه طباطبائی، شهید مطهری، استاد سبحانی، استاد جواد آملی و... در تحلیل هدف بعثت پیامبران چنین گرایشی داشتند که دین اسلام جامعیت داشته و در عرصه های گوناگون حضور دارد و با این وجود به عقل و تجربه نیز بها می دهند (خسرو پناه، ۱۳۸۹: ۳۷-۳۵).

حقوق شهروندی از منظر امام خمینی

قانون اساسی جمهوری اسلامی که منتج از معرفت شناختی حضرت امام (ره) در انقلاب اسلامی میباشد. بدین سان در جلد ۲۰ صحیفه در صفحات ۳۱۱ و ۳۱۲ در خصوص فقرا و مستمندان و ستمدیدگان جامعه و اقشار زحمت کش این چنین فرمودند: بزرگترین هدیه و بشارت، آزادی انسان از اسارت فقر و تهیدستی به شمار میرود و بیان این حقیقت که صاحبان مال و منال در حکومت اسلام هیچ امتیاز و برتری از این جهت بر فقرا ندارند و ابدأ اولویتی به آنان تعلق نخواهد گرفت؛ در این خصوص حضرت امام (ره) در وصیت نامه خود خطاب به مستضعفان جهان بیان داشته اند: ((و شما ای مستضعفان جهان و ای کشورهای اسلامی و مسلمانان جهان بپا خیزید و حق را با چنگ و دندان بگیرید و از هیاهوی تبلیغاتی ابر قدرتها و عمال سرسپرده آنان نترسید؛ و حکام جنایتکار که دسترنج شما را به دشمنان شما و اسلام عزیز تسلیم میکنند از کشور خود برانید؛ و خود و طبقات خدمتگزار متعهد، زمام امور را به دست بگیرید و همه در زیر پرچم پر افتخار اسلام مجتمع، و با دشمنان اسلام از محرومان جهان به دفاع برخیزید، و به سوی یک دولت اسلامی با جمهوریهای آزاد و مستقل به پیش روید که با تحقق آن، همه مستکبران جهان را به جای خود خواهید نشاند و همه مستضعفان را به امامت و وراثت ارض خواهید رساند، به امید آن روز که خداوند تعالی وعده فرموده است)). بنابراین در حقوق اسلامی، همه افراد اعم از زن و مرد، پیر و جوان، سیاه و سفید، دارای حقوق یکسان هستند. آیه شریفه ((يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِّن ذَكَرٍ وَأُنثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ)) بر همین معنی تأکید میکند (مهرپور، ۱۳۸۱).

تبیین حقوق شهروندی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

قبل از انقلاب مشروطه، حقوق شهروندی مدون و منقصدی در ایران وجود نداشت. البته فقدان حقوق مدون به معنای فقدان حقوق شهروندی نبوده است. در ایران از دیرباز اقلیتهای مختلف مذهبی و قومی روزگار میگذرانند و اقلیتهای مذهبی در احوال شخصیه نیز تابع مقررات و آئین دینی خود بودند. به دنبال انقلاب مشروطه، ایران برای نخستین بار صاحب قانون اساسی مدون گردید. قانون اساسی مشروطه به عنوان میثاقی میان دولت و ملت، قدرت مطلق پادشاه را محدود میساخت. در متمم قانون اساسی مشروطه که در سال ۱۳۲۸ هجری قمری به تأیید نهایی رسید در فصلی با عنوان (حقوق ملت)، مهمترین حقوق فردی و شهروندی در هجده اصل مورد تأکید قرار گرفت (قیوم زاده، ۱۳۹۳).

سپس ملت ایران پس از جریان تکامل انقلابی خود و زوده شدن از غبارها و زنگارهای طاغوتی، به مواضع فکری و جهان بینی اصیل اسلامی خود بازگشت؛ و اکنون بر آن است که با موازین اسلامی، جامعه نمونه (اسوه) خود را بنا کند بر چنین پایه ای رسالت حکومت (قانون

اساسی) این است که زمینه های اعتقادی نهضت را عینیت بخشد و شرایطی را ترسیم نماید که در آن انسان با ارزشهای والا و زمینه جهان شمول اسلامی تحقق یابد، با توجه به ماهیت این نهضت بزرگ، قانون اساسی تضمین گر نفی هر گونه استبداد فکری، اجتماعی و اقتصادی می باشد و در خط گسستن از سیستم استبدادی و سپردن سرنوشت مردم به دست خودشان تلاش می کند چنانکه قرآن کریم در سوره اعراف آیه ۱۵۷ می فرماید: ((ویضع عنهم اصرهم والاعلال التی کانت علیهم)). و بنابه گفتمانهای سیاست علوی گونه در ایجاد نهادها و بنیادهای سیاسی که خود پایه تشکیل جامعه است براساس تلقی مکتبی صالحان عهده دار حکومت و اداره مملکت می گردند ((ان الارض یرثها عبادی الصالحون)) (قرآن کریم، انبیا، ۱۰۵). و قانون گذاری که مبین ضوابط مدیریتی اجتماعی است برمدار قرآن و سنت جریان می یابد. بنا براین تدوین و تبیین نظارت دقیق و جدی از ناحیه اسلام شناسان عادل و پرهیزگارو متعهد امری محتوم و ضروری است. و چون هدف از حکومت رشد دادن انسان در حرکت به سوی نظام الهی است ((والی الله المصیر)) (قرآن، فاطر، ۴۲).

بدین سان زمینه بروز و شکوفایی استعدادها به منظور تجلی ابعاد خود گونگی انسان فراهم آید مصداق روایت پیامبر اکرم ((تخلقوا با خلاق الله)) (مجلسی، ج: ۱۲۹، ۵۸). و این جز در گرو مشارکت فعال و گسترده تمامی عناصر اجتماع در روند تحول جامعه نمی تواند باشد با توجه به این موارد، جهت قانون اساسی زمینه چنین مشارکتی را در تمام مراحل تصمیم گیری های سیاسی و سرنوشت ساز برای همه افراد اجتماع فراهم می نماید تا در مسیر تعالی انسان هر فردی خود دست اندر کار و مسئول رشد و ارتقاء و رهبرییت گردد که این همان تحقق حکومت مستضعفین در زمینه خواهد بود ((ونرید ان نمئن علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثین)) (قرآن، قصص ۵). بنا براین بخش مهم هر حکومتی حقوق شهروندی است و مهم ترین رکن هر قانونی به شمار می آید، زیرا در این بخش است که رابطه افراد با دولت مشخص می گردد. از آنجایی که حقوق شهروندی از محورهای اساسی و اهداف اصلی انقلاب ایران بوده است و از بنیادی ترین حق های انسانی است که نگاهداشت آن با یک گفتمان جامع و واحدی برای تثبیت اجتماعی و سیاسی زندگی کرامت مدار انسانی لازم است. براین مبنا حقوق ملت از مباحث محوری نظامهای سیاسی است.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی بر اساس بند ۷ و ۹ اصل ۳ و اصل های ۲۲، ۲۳، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۳۲، ۳۴، ۳۸، ۴۷، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۶۵ و ۱۶۸ حقوق مدنی شامل برابری در پیشگاه قانون، عدم تبعیض، آزادی های شخصی، احترام به مالکیت، دسترسی یکسان به دادگاه و ... به رسمیت شناخته می شود. بر اساس بند ۸ اصل ۳ و اصل های ۵۶، ۵۹، ۶۲، ۱۰۰ و ۱۱۵ حقوق سیاسی همانند حق مشارکت سیاسی، حق رأی و حق انتخاب شدن به رسمیت شناخته می شود. هر چند برای تحقق حاکمیت الهی درباره حق انتخاب شدن بنا به گفتمان های علوی گونه محدودیت هایی وجود دارد. برای مثال می توان به اصل ۱۱۵ قانون اساسی درباره شرایط ریاست جمهور اشاره نمود که بر اساس بخشی از آن صرفا رجال مومن و معتقد به مذهب رسمی کشور حق انتخاب شدن را دارا هستند. در قانون اساسی بر اساس بند ۱۲ اصل ۳ و اصل ۲۹ و بند ۱-۴ اصل ۴۳ حقوق اجتماعی شامل آموزش رایگان، امنیت، رفاه، مسکن، شغل، بهداشت و بیمه های اجتماعی می بایست برای همگان فراهم شود. در قانون اساسی بر اساس اصل ۱۲ و ۱۳ حقوق دینی و مذهبی برخی از اقلیت ها به رسمیت شناخته می شود، همچنین بر اساس اصل ۱۴ تساهل مذهبی و دینی با اقلیت ها توصیه می شود و بر اساس اصل ۱۵ حق تحصیل و ارتباط عمومی با زبان های قومیت های متفاوت به رسمیت شناخته می شود و به صورت خاص در اصل ۱۹ (برای تمامی افراد ملت ایران حقوق مساوی فارغ از هر گونه قومیت، رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها) به رسمیت شناخته می شود. همچنین بر اساس اصل ۶۴، کرسی های نمایندگی برای اقلیت های مذهبی رسمی کشور در مجلس شورای اسلامی تضمین شده است. البته ساخت فرهنگی جامعه ایران بر اکثریت فارس زبان و شیعه مذهب بنا شده است. در قانون اساسی بر اساس بند ۱۴ اصل ۳، اصل های ۲۰ و ۲۱ حقوق خاص همانند حق رشد مادی و معنوی، حق حضانت فرزند و ... برای زنان به رسمیت شناخته می شود. در قانون اساسی بر اساس اصل ۵۰، حقوق محیط زیست به رسمیت شناخته شده است. درباره تکالیف شهروندی در قانون اساسی نیز می توان گفت: ۱- تکالیف، روی دیگر حقوق هستند؛ ۲- دوگونه وظایف خودنمای می کند: وظایف دولت و وظایف مردم. بر اساس اصل ۳، ۲۱، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۴۳ و ۴۹ دولت موظف است حقوق مدنی، اجتماعی، فرهنگی و جنسی شهروندان را مراعات نماید. همچنین بر اساس اصل ۴۰، ۴۶، ۵۱، ۶۱، ۱۵۹ و ... شهروندان موظفند که حقوق مدنی، اجتماعی و ... سایر شهروندان را مراعات نمایند. قانون اساسی به عنوان فقه سیاسی مکتوب شیعه، توجه خاصی به حقوق شهروندی کرده، به طوری که رنگ، نژاد و زبان را موجب تفاوت در برخورداری از این حق نمیداند و دولت را موظف به رعایت حقوق شهروندی برای همه انسان ها میکند، ضمن اینکه قانون اساسی نه تنها به ذکر نظری حقوق شهروندی توجه کافی داشته، بلکه در عمل هر سه قوه حاکمیت را مدافع این حق قلمداد کرده است (صادقی نشاط، ۱۳۷۸).

عملکرد تشکیک گونه اقتصادی دولت مردان:

با به اینکه یکی از بندهای اصلی قانون اساسی در رابطه با آنکه افراد فاسد و نابابی از پاکسازی شدند مع ذالک روح و فرهنگ اداری زمان طاغوت درسرشت کارکنان دولت آنچنان ریشه دوانیده که اکثر نارضایتیهای مردم ازحاکمیت ناشی از مراجعه مکرر به ادارات . همچنانکه

بنا به گفته دکتر منوچهر محمدی از وضعیت ادارات ((هیچکس را بخاطر انجام ندادن کاری مؤاخذه نمی کنند بلکه انجام کاری مثبت همواره می تواند دارای ایراد و مؤاخذه قرار گیرد)) پس چه بهتر که کاری را انجام نداد. معمولاً باحرکت‌های مقطعی از قبیل دادن اختیارات به اشخاص و ایجاد سازمانهای مضاعف و... سعی شد بامشکل سیستم اداری وقرطاس بازی و دیوان سالاری حاکم برآن به نحوی مبارزه شود. بدیهی است که ماشین عظیم دولتی فعلی با روحیه و فرهنگ و ضوابط حاکم برآن نه تنها راهگشا و تسهیل کننده و اجراکننده مؤثری در جهت نیل به اهداف انقلاب نخواهد بود بلکه خود مانع بزرگی بر سر راه آن بوده و در عمل بسیاری از تصمیمات دولتمردان را خنثی خواهد کرد (محمدی، ۱۳۷۳). همچنانکه دورکیم از مکتب اصالت کارکرد اظهار می دارد: تقسیم کار تنها در شرایط عادی موجب همبستگی می گردد. تقسیم کار غیر نُرمال یا پاتولوژیک، موجب فائق آمدن نیروهای از هم گسیخته ای می گردد و در نتیجه بی نظمی و عدم تعادل را به وجود می آورد. وقتی جامعه دچار همچنین شرایطی شود آنرا اندوهناک، سرگشته و خشمگین می سازد، چنین جامعه ای بر اعضای خود فشار می آورد که از طریق انجام اعمال معنادار، اندوه، سرگستگی خود را برهاند (محمدی، ۱۳۸۴).

تغییرات اجتماعی در بر گرفته از تغییر در الگوهای رفتاری و فرهنگ که شامل هنجارها و ارزش ها است (ابراهیمی، ۱۳۸۹). همچنانکه پس از پیروزی انقلاب اسلامی ضمن ادامه روند صنعتی شدن و تغییر در ساختار اقشار و طبقات قبل از انقلاب و خلع ید طبقات مَترف و مُستکبر به در اختیار گذاشتن سرمایه ها به نهادها و سازمانهای گوناگون دولتی، و تلاش مسئولان برای کاهش فقر و نا برابری اجتماعی و تقویت حسن تعلق و فرهنگ شهروندی، ایجاد زمینه های برابری، ارضاء نیاز شهروندان با کاهش تجمل گرایی در جامعه از طریق آگاهی و ارائه الگوهای صحیح مصرف و نظارت و هدایت صحیح رسانه های جمعی و همچنین توجه مسئولان به نقش مذهب در ایجاد ارزش های فرامادی در جامعه و گسترش فرهنگ عام گرایی و دیگر اینکه تسهیل دست درسی افراد به منابع و فرصت ها با زمینه برابری جهت ایجاد عدالت دنبال میشد. و تقویت سرمایه اجتماعی در چارچوب تقویت مشارکت اجتماعی فرد با رعایت هنجارها و ارزش های اجتماعی فرد در جامعه و اعتماد فرد به دیگران و تعامل اجتماعی افراد سبب افزایش سطح همکاری اعضاء در گروه های اجتماعی و جامعه در برداشت و از این طریق منجر به افزایش سطح ارتباط و نظارت و کنترل در سطح نهادها و عمومی اجتماعی بود و افزایش سرمایه اجتماعی باعث هدایت بهتر مدیران در اداره سیستم ها، سازمانها و نهادهای مختلف به ویژه نهادهای اجتماعی و فرهنگی در بر داشت و عامل تقلیل سیاست گذاریهای نابرابرانه شده بود (ربانی، ۱۳۸۲). سپس با تجدید نظر در سیاست و اقتصاد دولتی به بخش خصوصی، از جمله انتقال مالکیت و مدیریت اقتصادی و خدماتی به نخبگان جدید در عرصه های کشاورزی، خدمات و بازرگانی و حتی آموزشی در سطح عالی و ایجاد مناطق آزاد تجاری برای تحقق اراده ی نظام جمهوری اسلامی مبنی بر اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی و تحقق اهداف چشمان انداز چندساله ی آتی انتقال یافت. ضمن اینکه عرصه خصوصی سازی نیاز به مقدمات و مبانی خاص دارد و تا این زمینه ها فراهم نشود دستیابی به اهداف مطلوب و کاهش هزینه ها و خسارات ناشی از آن امکان پذیر نخواهد بود. از جمله الزامات دیگر مقدماتی که در دنیای امروز مورد تاکید قرار گرفته، توجه به مسئولیت ها و تعهدات بنگاهها و شرکت های فعال در عرصه صنعت، تجارت، اقتصاد و خدمات و غیره است. به این معنی که این رسالت، در ضمن پیگیری اهداف انتفاعی و سود آورانه خود، که علی القاعده با این اهداف ایجاد شده اند باید در خدمت اهداف و آرمانهای عمومی جامعه و نظام اجتماعی باشند به عبارتی اخاد جامعه در سود و منافع خود شرکت کنند. و در خدمت تمامی ارگان نظام اجتماعی باشند (امیری، ۱۳۸۷). اما بنا به آمارهای موجود نابرابری ها در کشور فزونی یافته است. در واقع افزایش رشد اقتصادی در سالهای اخیر همراه با توزیع متوازن نبوده است، اعداد و ارقام نیز وجود نابرابری در جامعه را تایید میکنند. به طوری که براساس گزارش سازمان توسعه و عمران ملل متحد نیمی از مصرف در اختیار ۲۰٪ جمعیت ایران است. به هر روی آمارهای مختلف افزایش نابرابری در کشور را تایید میکنند. به گونه ای که ضریب جینی در سال ۱۳۵۶ در بدترین حالت ۵۱٪ بوده و در سالهای پس از انقلاب از ۴۳٪ پایین تر نرفته است و این بیانگر عدم تحوّل در طبقات و قشرهای اجتماعی است و پیامدهای منفی همچون ناهنجاریهای اجتماعی (عدم همبستگی، همزبانی و همدلی) را به همراه داشت. (مهاجر، ۱۳۸۶) وقتی افراد رویه های اجرای قانون را منصفانه و عادلانه ندانند قانون گرایی کاهش یافت و فقدان عدالت رویه ای در اجرای قانون موجب بی اعتمادی و عدم مشروعیت مجریان قانون نزد مردم شده که این خود موجب قانون گریزی افراد در جامعه شد. همچنان که سه متغیر (عدم عدالت رویه ای، بی اعتمادی مدنی و عدم مشروعیت) وابسته بر داشت. در حقیقت عدم عدالت رویه ای و اجرای تبعیض آمیز قانون، نگرش مردم را نسبت به مجریان قانون تغییر خواهد داد و دیگر اینکه وضعیت تبعیض آمیز اعمال قانون توسط مجریان به تدریج اعتماد مردم نسبت به آنها را کم کرده و در نهایت صلاحیت آنان را از طرف مردم زیر سؤال برد. و تأثیر متقابل این متغیرها موجب قانون گریزی افراد در جامعه شد. در حقیقت در این وضعیت مردم قانون گریزی را به اطاعت از قانون ترجیح می دهند (حاجیان، ۱۳۸۹). و این رویه منجر به فساد اقتصادی و ناهنجاریهای اجتماعی می شود. فساد نه فقط موجب گسترده شدن نابرابری بین غنی و فقیر می شود در نهایت گسترده شدن فاصله طبقاتی موجب کاهش نقش آرای عمومی در شکل گیری سیاستهای عمومی در حکومت انجامید. همچنان که پس از پایان جنگ تحمیلی در سال ۱۳۶۷ گفتمان مسلط از محرومان و مستضعفان بنا به تشکیک تقدم و تأخر به حمایت از سرمایه و از تأمین اجتماعی به تأمین امنیت برای سرمایه دار تغییر کرد این گفتمان برداشتهای جدید از فساد مبتنی بر مفهوم نقش مسئولیت های اجتماعی با قدرتهای محدود بود. قدرت محدود دلالت بر پراسخگو نبودن در

مقابل روشهای استفاده از قدرت دارد. مهمترین این محدودیت ها که در تعریف از فساد نقش اساسی دارد محدودیت هایی که بر ارتباط بین ثروت و قدرت اعمال می شود. و از طرف دیگر تحوّل فناوری اطلاعاتی و دست یابی به منابع گوناگون خبری موجب آگاهی گسترده تر مردم از حقوق حق خودشان سبب شد تا انتظارات بیشتری از رهبران خود داشته باشند. هم زمان با فراوان مطالبات جدید مردم بعد از جنگ تحمیلی تعجیل در اجرای سیاست های موسوم به تعدیل ساختاری، تأثیرات ویرانگری اقتصاد کشور، توزیع درآمدسازی و گسترش و تعمیق فقر و نابرابری و نهایتاً گسترش فساد را در بر داشته است.

تبیین عملکرد تشکیک گونه حقوق شهروندی در حوزه سیاسی-اجتماعی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ابتدای تهیه و تدوین پیش نهادی قانون اساسی در مجلس خبرگان با پذیرش ولایت فقیه، شکافی غیر قابل ترمیم در درون ائتلاف مخالف شاه ایجاد کرد و گسستگی اجتناب ناپذیر بین علمای بنیاد گرا و جدی ترین چالش با آن از سوی آیت الله شریعت مداری و حزب جمهوری خلق مسلمان صورت گرفت آیت الله در متقاعد کردن بنیاد گرایان به اصلاح قانون اساسی فتوایی علیه آن صادر کرد و همین امر موجب بروز تنش های جدی میان طرفداران وی و بنیاد گرایان در برخی شهرهای بزرگ شد (میلانی، ۱۳۸۸: ۱۳۱۳). به رغم تصویب قانون اساسی (تقریباً به اتفاق نظری رأی مأخوذه پانزده میلیونی) و ماجرای گروگان ها (کارکنان سفارتخانه امریکا (لانه جاسوسی)) آیت الله شریعتمداری به مخالفت آشکار خود با قانون اساسی ادامه داد و چنین می پنداشت که ناسیونالیست ها و چپ گرایان مخالف با ولایت فقیه در رویاروی میان وی و آیت الله خمینی آنان از وی حمایت میکنند (میلانی، ۱۳۸۸). پس از آن با تصویب قانون اساسی و انتخاب بنی صدر بعنوان اولین ریاست جمهوری اسلامی غافل از محبوبیت وی از آیت الله خمینی، مشاجره در انتصاب و انتخاب و همزیستی با نخست وزیری، اولین بحران قانون اساسی برای جمهوری اسلامی پیش کشید. بیهوده کوشید تا با پیشی گرفتن بر مجلس، آن را برای دادن رای اعتماد به نامزد معرفی شده از سوی خود تحت فشار بگذارد و تلاش نمود تا یک ریاست جمهوری شاهنشاهی ایجاد کند که در آن وی تعیین کننده سیاست و نخست وزیر مجری آن باشد (میلانی، ۱۳۸۸: ۳۱۵-۳۱۹). دوران ریاست جمهوری بنی صدر با یکی از پر آشوب ترین دوره های تاریخ اخیر ایران مقارن گردید. ایران همزمان در چهار بحران عمیق فرو غلتید: گذر از یک شاهنشاهی مستبد به یک حکومتی دینی اسلامی، رقابت های شدید میان نخبه گان، جنگ بین ایران و عراق و بحران گروگان گیری، در این برهه از زمان که وحدت هدف عمل ضروری ترین نیاز بود بنی صدر تفرقه و اختلاف را به ارمغان آورد. ایشان از جنبه سیاسی فردی متکبر و جاه طلب بود که در مواقع مختلف از سر مصلحت به گروه های مختلفی نزدیک می شد. وی در حال تبدیل شدن به مردی برای تمام فصول بود و می کوشید به منظور توسعه پایگاه اجتماعی خود، حمایت مردمی کسب کند؛ سعی او در میان ملی گرایان از آرمان حقوق مدنی و بازسازی اقتصادی حمایت کند، ضمن آنکه برای جلب حمایت چپ گرایان، از ملی شدن صنایع بزرگ و خود مختاری بیشتر برای اقلیت ها جانبداری می کرد و طی برهه های مختلف، با علمای راست دین و برخی از اعضای خانواده آیت الله خمینی، صفی واحد را تشکیل داد. نزدیک ترین روابط بنی صدر به منظور تشکیل ائتلاف او با گروه های موجود، رابطه وی با مجاهدین خلق (مشهور به منافقین) قدرتمند ترین حامیان او با آنها، که وی در طول دوران ریاست جمهوری اش را انکار می کرد و نوعی خود کشی بود. که این امر موجب بد گمانی هر چه بیشتر بنیاد گرایان نسبت به اهداف واقعی او شد و وی را از ملی گرایان که چشم دیدن ظهور یک گروه اسلامی دیگر را در کشور نداشتند بسیار دور می کرد. اگر بنا به فرض بسیار بعید، ائتلاف مذکور موجب سقوط بنیاد گرایان شده بود ریاست جمهوری وی نیز تمام شده تلقی می شد. وی خود را از حمایت مستمر همه گروه ها محروم کرد. همچنان که پس از فرارشان از کشور و تشکیل شورای ملی مقاومت بر علیه فعالیت های آیت الله خمینی، با وجود ازدواج رجوی (رئیس سازمان مجاهدین) با دختر وی و روابط تنگاتنگشان، با ترک خشم آلودی ایشان از شورای ملی مقاومت روابط آنها پایان یافت (میلانی، ۱۳۸۸: ۳۳۴-۳۳۱).

بنابراین هر چند حاکمیت و قدرت از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۸ تحت تاثیر حکومت آیت اله خمینی، به عنوان رهبر انقلاب و جمهوری اسلامی بود و این شیوه ی رهبری نظام سیاسی را همواره پویایی جریان و حرکت نگه می داشت اما با انسجام سازمانی و سلسله مراتب اداری چندان مناسبی نداشت. رهبر انقلاب در این دوران در درون ساختاری از روابط و نیروها عمل می کرد که دارای ویژگی های خاص بود. اولاً از حیث ایدئولوژیک برخی عناصر آشکار دولت جامع القوا در آن یافت می شد، اما در عین حال عناصر نهادی و سلسله مراتبی خاص که معمولاً با عناصر ایدئولوژیک دولت جامع القوا همراhd نبود. ثانیاً از حیث ساختار قدرت ویژگی های نوع نظام سیاسی معروف به دموکراسی صوری یا نمایشی در آن مشهود بود و ثالتاً در دهه ی ۱۳۷۰ ویژگی ها و عناصر شبه دموکراسی در آن تکوین یافت (بشیریه، ۱۳۸۷: ۵۱). پس از سال ۱۳۶۸ سیاست به نوعی الیگارشسی تمایل یافت و عنصر بسیج و مشارکت مردمی رو به نقصان گذاشت و زمینه بحران انتخابات خرداد ۱۳۷۶ مهیا ساخت (بشیریه، ۱۳۸۷: ۹۱-۱۰۶). دیگر اینکه بنا به مطالب بخش فوق پس از تجدید نظر قانون اساسی در سال ۱۳۶۸ و دولت سازندگی پس از اتمام جنگ، آقای رفسنجانی با عنوان این مطلب ((زمان آن فرا رسیده که انقلاب در مسیر طبیعی و عادی خود قرار گیرد)) با اقدامات عاجلی را که برای آزاد سازی اقتصاد اتخاذ کردند و برای جبران کمبود های اقتصادی، واردات کالاهای مصرفی و اساسی آزاد شد و اقدامات

مربوط به مبارزه با احتکار کاهش یافت و برنامه های توسعه ای هدایت شد و تغییر جهت رشد جمعیت داده شد و با دیدار از پکن، الگوی چینی توسعه اقتصادی را مد نظر قرار داد و از جمله از ایجاد اصلاحاتی در قانون کار برای سود آوری بیش تر مالکان کارخانه ها و تدوین یک قانون جدید سرمایه گذاری که براساس آن خارجی ها بتوانند ۴۵ درصد از مالکیت شرکت ها را در اختیار داشته باشند و دیگر اقدامات اقتصاد لیبرالیستی و این برنامه ها و عدم توجه به امورات سیاسی و فرهنگی نهایتاً با تشکیک در انجام برنامه ها نه تنها مخالفت آیت الله خامنه ای و شورای نگهبان را برانگیخت بلکه اکثریت نمایندگان مجلس و چهره های سرشناس بازار نیز بر آن مخالفت کردند (آبرهایمان، ۱۳۸۹: ۳۲۲). و دیگر اینکه در دوران ۷۶-۱۳۶۸ اقتدار سنتی براقدرار قانونی و دموکراتیک غلبه داشت. به علاوه دستگاههای ایدئولوژیک دولتی و کنترل بر شکل گیری و عملکرد انجمن ها و شکل های مختلف بر انسجام و اقتدار دولت می افزود و نتیجه این امور اینکه سال ۱۳۷۶ زمینه کثرت گرایی سیاسی نسبی پدیدار شد و گروه های صاحب قدرت و نفوذ نیمه رسمی مناسب اقتدار را در اختیار گرفتند و وحدت میان گروه های صاحب قدرت و اقتدار وجود داشت. و با چرخش و آرایش تازه ای که در بین نیروهای فعال پدید آمد به نحو فزاینده ای به اقتدار قانونی و قانون گرایی برای تامین مشروعیت نظام رجوع شد که پس از آن بنا به تشکیک در یک جانبه گرایی و تقدم و تأخر در انجام امور، منازعه میان مبانی سه گانه مشروعیت و نیروهای سیاسی-اجتماعی پشتیبان آنها شدت گرفت و به شکل بحرانی در مشروعیت ظاهر شد. ظهور تعبیرهای تازه مختلف از معنای ولایت فقه خود حاکی از بحرانی است که در زمینه مشروعیت عقلانی در حال شکل گیری بوده است. که در این گفتمان عمومی موضوعاتی نظیر، مستضعفان جهاد، مجاهد، شهید، خویشتن و غرب زدگی را در بر می گرفت اما گفتمان دوره جدید (اصلاحات تغییر یافت و عباراتی همانند دموکراسی، پلورالیسم، مدرنیته، آزادی، برابری، جامعه مدنی، حقوق بشر، مشارکت سیاسی، گفت و گو، و واژه شهر وندی به صحنه آمدند و یک تحول عمل گونه چرخش فرهنگی تقریباً با اهمیت همانند انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ به شمار می رفت (آبرهایمان، ۱۳۸۹: ۳۳۷) و تعارض میان سنت و تجدد به عنوان راست سنتی و راست مدرن ظاهر شد. که در انجام کارویژه های دیگر مستهلک ساختند. بدین سان ضعف دولت در اجرای کار ویژه اول موجب تقویت نیروهای معارض در خارج از بلوک قدرت شد. هر چند اصلاح طلبان بخشی از بودجه های دولتی را به سوی سازمانهای غیر دولتی هدایت کردند و دیگر اینکه هر چند در زمینه سیاست خارجی گفتمانهای ی گفت و گو دولت در نظر گرفته بودند، اما از این سوی ضربه غیر منتظره ای اصلاح طلبان از امریکا خوردند، جورج بوش رئیس جمهور امریکا در سخنرانی ژانویه سال ۲۰۰۳، ایران را محور شرارت خواند. مشاور امنیت ملی او نیز در ادامه، ایران را کابوسی تمامیت خواه نامید. این امر برای محافظه کاران فرصتی فراهم آمد تا در یک سلسله انتخابات شوراهای شهر در سال ۱۳۸۲ انتخابت مجلس در سال ۱۳۸۳ و انتخابات ریاست جمهوری در سال ۱۳۸۴ فردی همچون محمود احمدی نژاد با گفتمان های پشتیبان مستضعفین و همچنین اصول گرا و آباد گرا دو اصطلاح جدید عدالت اجتماعی ... و از همه قاطعانه تر از میان بردن فساد را که از نظر بسیاری بدنه سازمان سیاسی کشور را در معرض خطر قرار داده بود وعده داد (آبرهایمان، ۱۳۸۹: ۳۳۶). بدین سان برای ارزیابی عملکردهای کارگزاران دولت از اهداف و اصول قانون اساسی و جریان های سیاسی در تشکیک یک جانبه گرایی و تقدم و تأخر و نهادینه نشدن قانون اساسی و ایجاد یأس و ناامیدی برای الگو پذیری جوامع جهانی همچون برهه هایی از زمان (۱۳۸۸) لازم به تطبیق امور دولت مردان به منشور قانون اساسی میباشد که در اینجا برای ارزیابی و تبیین تشکیک گرایی کارگزاران، منشور اصول گرای بر مبنای قانون اساسی را مورد توجه احاد جامعه قرار می دهیم: ۱- اسلام، (از وظایف کارگزاران دولت در برابر حقوق شهر وندی احاد جامعه، فراهم نمودن زمینه امور آگاهی بخشی (فرهنگی - آموزشی) خدا شناسی، هستی شناسی و انسان شناسی جهت کمال جویی و تعالی بخشی افراد جامعه میباشد. ۲- جمهوری اسلامی (قانون اساسی)، ۳- خط و سیره امام، ۴- ولایت فقیه، ۵- دفاع از ارزش های اسلامی، ۶- پایبند به مبانی انقلاب اسلامی، ۷- التزام عملی به ولایت فقیه و فصل الخطاب دانستن نظر رهبری، ۸- احترام به مرجعیت، ۹- ساده زیستی و پرهیز از تجمل گرایی، ۱۰- اعتقاد به آزادیهای مشروع و مردم سالاری دینی، ۱۱- عدالت محوری و مبارزه با فساد، ۱۲- تاکید و باور به پیشرفت همه جانبه؛ ۱۴- اداره امور بر اساس موازین اسلامی، عقلانیت، قانون، برنامه، حسن تدبیر و عطف با مردم؛ ۱۵- اعتقاد و التزام به تعامل و هماهنگی میان قوا؛ ۱۶- دشمن شناسی، استکبار ستیزی، استقلال طلبی، و موضع سریع گرفتن در برابر دشمنان و فتنه گران؛ ۱۷- تلاش برای تحقق وحدت امت اسلامی.

دیگر اینکه در گفتار های اعتدال گونه مطرح شده توسط دولتمردان، بنا به بررسی به عمل آمده در تشکیک یک جانبه گرایی و تقدم و تأخر در امور حکومتی می توان گفت: در علوم انسانی به خصوص علوم اجتماعی مبنای وجود هستی هر پدیده عنوان اعتدال و در سایر علوم نرمال تلقی می شود. بنابراین اعتدال یکی از دغدغه خاطر جامعه بشری در طول تاریخ بوده است در عین حال اعتدال در تعریف مسائل اجتماعی و نیز راه حل هایی که برای آنها ارائه می شود. با ایدئولوژی نظام ارزش ها و همچنین افراد و گروه ها ارتباط دارد. همچنانکه بنا به اهداف تبیین مسائل اجتماعی و راهکارهای مناسب، اعتدال چهار معنای متفاوتی در محیط فکری ایران به خود گرفته است. (۱- اعتدال به معنای میانه روی و گریز از اصلاح طلبی و اصول گرایی. ۲- اعتدال به معنای اصول گرایی معتدل. ۳- اعتدال به معنای اصلاح طلبی محافظه کار. ۴- اعتدال به معنای رویکرد عقلانی ضد افراط).

بدین سان در نظام جمهوری اسلامی اعتدال سیاسی، لازمه آن این است که در چارچوب قانون اساسی موجود کشور جمهوری اسلامی ایران ترسیم می شود. و در این برهه از زمان اعتدال در جامعه ایرانی ضمن در نظر گرفتن گفتارهای عقلانی سعی شود که تعادل و سازگاری بخش های اساسی جامعه یا تعادل میان بخش های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی حفظ شود

بنا به بررسی به عمل آمده تفکرهای سیاسی و اخلاقی صدر اسلام در آمت اسلامی پدید آمده از جمله گروههایی از قبیل قاسطینی (أمویان) و مارقین (خوارج) که در زمان خلافت علی (ع) بوجود آمدند حاکمیت علی (ع) که بر موازین الهی و سرلوحه خود اجرای عدالت (اعتدال) در نظر گرفته بود. توده مردم با داشتن امنیت-آزادی عقاید و سیاسی و... از حقوق شهروندی برخوردار باشند. اما کارگزاران همچون مغز و اعصاب ارگانیک بدن که از ماده آلی و آنزیم های مختلف سایر بافت ها است و دارای ویژگی خاص از سایر بافت های می باشد.

بنا به نتایج حاصله برای تحقق و ثبات اعتدال سیاسی می توان گفت انتخاب کارگزاران بنا به شاخصه های گزینشی علوی گونه سازماندهی کلاسیکی کارگزاران به نیروی ستادی (مدیریتی و نظارت) و صفی (اجرایی) و سپس بکارگیری نیروی اجرایی (صفی) از همه طیف و قشرهای جریان های مختلف سیاسی، لیکن نیروهای ستادی در هر رده مدیریتی برخوردار از اعتدال تفکر سیاسی باشند زیرا با ناهمگون بودن ترکیب افراط و تفریطیون با تفکر اعتدالی چه در عملکرد افراط و تفریط شان و چه در تجمیع تفکرشان برنامه تفکر اعتدالی و ثبات و توسعه پایدار را خنثی می کنند.

نتیجه گیری

شهروند یعنی فردی از جامعه که مسئولیت می‌خواهد و مسوولیت می‌پذیرد. وظیفه حاکمیت و حکمران است که بستر و زمینه اجرایی این دو امر را فراهم آورد تا شهروندان به آنچه که استحقاق دارند برسند و هر وظیفه ای که به اعتبار شهروندی پذیرفته اند را انجام دهند. هیچ قدرتی نمی‌تواند حقوق حقه آنها نادیده بگیرد و هیچ اراده فردی‌ای نمی‌تواند از وظیفه خود سرباز زند. حقوق شهروندی چیزی نیست که از اطراف حاکمیت به مردم اعطا شود حقوق شهروندی در نزد شهروندان واقعی ثابت و محفوظ است و یکی از ویژگی‌هایی است که شهروندی با دارا بودن آن شکل می‌گیرد حقوق شهروندی را دولت ایجاد نمی‌کند بلکه باید آن را رعایت نموده و از آن حمایت کند و بخش‌هایی از حقوق شهروندی بدون توجه به بخش‌هایی دیگر ممکن نخواهد بود. در نتیجه، حقوق شهروندی چیزی نیست که از طرف حاکمیت به مردم اعطا شود حقوق شهروندی در نزد شهروندان واقعی ثابت و محفوظ است و یکی از ویژگی‌هایی است که شهروندی با دارا بودن آن شکل می‌گیرد. بنابراین با بررسی بعمل آمده، برای جلوگیری از عدم نهان‌شدن حقوق شهروندی و تشکیک مساعی در قانون اساسی ایران راهکارهایی تدوین شده است:

- ایجاد زمینه‌ی برابری برای انتخاب و انتصاب و زمینه‌ی عدالت محوری در شایستگی افراد برای کارآمدی سازمان‌ها و جلوگیری از خودبینگانی نیروهای واجد شرایط.

- ایجاد فرهنگ عدالت محوری و واقع‌گرایی و کارکردگرایی و جلوگیری از فرهنگ رویایی و بخت و اقبال از طرف رسانه‌ها و... که مانع خلاقیت و فعالیت افراد در کمیّت و کیفیت در تولیدات و خدمات و سپس سلب اعتماد درون اجتماعی شده است.

- جلوگیری از ایجاد توقعات و مطالبات کاذب در افکار عمومی به خصوص از طرف نامزد های انتخاباتی.

- عدم تک‌نگریستن به نهادهای اجتماعی در امر توسعه پایدار. این تفکر نشأت گرفته از سلیقه‌ای نگرستن دولتمردان در برهه‌های زمانی است که بی‌توجهی و بی‌ثباتی به فعالیتهای جامعه (سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، آموزشی و حتی خانواده) بوجود می‌آورد.

- ایجاد بانک هوشمند اطلاعاتی برای جلوگیری از تعدد دسته‌بندی آرشیوهای اطلاعات در سازمانهای متعدد بدون دسترسی افراد و سازمانهای متوازی و ذیصلاح که باعث دیرکرد خدمات رسانی سازمانها و زمینه‌ی تخلف افراد فرصت طلب می‌شود

- توجه افکار عمومی به ارزش‌های معنوی اینارگری در ازای ارزش‌های منافع مادی شخصی.

- مشارکت سیاسی هرگونه رفتار و عمل فردی و جمعی در اجتماع سیاسی است که هدف آن تحت تأثیر قراردادن سیاست‌گذاری‌های عمومی و با تعامل نظر مردم با رهبران جامعه می‌باشد. و لازمه سامان بخشیدن به آن، تفکیک منتقدان:

اول به مخالف (اپوزیسیون داخلی) و معاند (اپوزیسیون خارجی)

دوم تفکیک منتقدان به دسته‌های مخالف صنفی، حاکمیتی، قومیتی و حکومتی

و از این طریق با جلوگیری از چالشهای مشارکت سیاسی، ایجاد زمینه امر به معروف و نهی از منکر دست جمعی بوجود می‌آید. در صورت عدم زمینه مطالبات دست جمعی و تفکیک منتقدین به صنفی و حاکمیتی، با برجسب معاند و مخالف حکومت زدن، دولتمردان به منتقدان صنفی و حاکمیتی، در نتیجه در مقابل، از طرف افراد مطالبه‌گر صنوف و معترضان رفتار حاکمیتی، از محدوده‌ی انزجار صنفی و حاکمیتی عبور کرده و در صدد اعتراض و تخریب حکومت بر خواهند آمد.

منابع و مراجع

- [۱] احمدزاده، سید مصطفی . (بهمن و اسفند ۱۳۸۴) " حقوق شهروندی " ، مجله اندیشه ، سال یازدهم ، شماره ششم .
- [۲] امام خمینی، سید روح الله . (۱۴۲۱) تحریر الوسیله ، تهران : موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س) ، چاپ اول .
- [۳] احمدی طباطبایی، محمد رضا.(۱۳۵۵).حقوق شهروندی با تاکید بر قانون اساسی جمهوری. اسلامی ایران.فصلنامه علمی پژوهشی رهیافت انقلاب.شماره ۸.
- [۴] بشیریه، حسین. (۱۳۸۷).دیباچه ای بر جامعه شناسی سیاسی ایران (چاپ پنجم). نشر نگاه .
- [۵] پژوهان، جمشید. طالب لو، رضا. قریشی، نیره سادات. جلالیان، کتابون.(۱۳۷۸). مقایسه و تحلیل عملکرد اقتصادی دولتهای پس از انقلاب اسلامی (اهداف، سیاست ها، برنامه های توسعه و عملکرد): نشریه راهبرد توسعه، شماره ۱۵ علمی-ترویجی.
- [۶] توسلی، غلامعباس و حسینی نجاتی، سید محمود. (۱۳۸۳). واقعیت اجتماعی شهروندی در ایران، مجله جامعه شناسی ایران، دوره پنجم، شماره ۲.
- [۷] شکری، نادر(۱۳۹۲)، مجموعه مقالات همایش همگانی، شهروندی و توسعه سازمانی شهرداری تهران و دانشکده مدیریت صاحب الزمانی، طاهره(۱۳۹۰) ،حقوق شهروندی در ایران، پایگاه اطلاع رسانی، پایگاه اطلاع رسانی جواد جعفری
- [۹] صادقی نشاط، امیر (۱۳۷۸). معرفی نظام جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، انتشارات بین المللی الهدی.
- [۱۰] محسنی، رضاعلی (۱۳۸۹). ابعاد و تحلیل حقوق شهروندی.راه کارهایی برای تربیت و آموزش حقوق شهروندی. فصلنامه موسوی، سیدهادی (۱۳۹۴) بررسی جایگاه حقوق شهروندی درنظام حاکمیتی جمهوری اسلامی ایران. اولین کنفرانس بین المللی نقش مدیریت انقلاب اسلامی در هندسه قدرت نظام جهانی (مدیریت، سیاست، اقتصاد، فرهنگ، امنیت، حسابداری).
- [۱۲] مهرپور، حسین. (۱۳۷۴).حقوق بشر در اسناد بین المللی و موضع جمهوری اسلامی ایران. تهران. اطلاعات.
- [۱۳] نژاد بهرام، زهرا،(۱۳۸۶)، مجموعه مقالات همایش همگانی، شهروندی و توسعه سازمانی شهرداری تهران و دانشکده مدیریت